

## زندگی از زاویه نزدیک



«ساجی» در نگاه اول بعید است توجه خواننده را به خود جلب کند ولی اگر کمی دقت کند با اسم بهناز ضرابی‌زاده روبه‌رو می‌شود.

بعید است کسی در فضای خاطرات جنگ و تاریخ شفاهی دفاع مقدس مطالعاتی کرده باشد ولی اسم کتابی مثل «دختر شینا» را نشنیده باشد؛ کتابی که با اقبال بسیار بالایی یکی از آثار مهم در حوزه روایت جنگ از زبان زنان این سرزمین است. کتابی که بهناز ضرابی‌زاده آن را نوشته و با همین کتاب اسم او بر سر زبان‌ها افتاد و تبدیل به نویسنده‌ای مهم در نوشتن خاطرات شد. به‌خصوص وقتی کتاب بعدی‌اش با عنوان «گلستان یازدهم»

منتشر شد و دیگر حرف و حدیثی باقی نگذاشت که خانم ضرابی‌زاده هم مختصات روایت را می‌شناسد و هم در نوشتن از زبان تبحر ویژه‌ای دارد. ساجی را وقتی شروع کنید خیلی زود متوجه می‌شوید که انتخاب درستی کرده‌اید. خیلی زود پی می‌برید که باز هم ضرابی‌زاده توانسته از پس روایت بر بیاید و خواننده را با راوی کتابش همراه و البته مهم‌تر از آن، همدل کند. ساجی شما را صفحه به صفحه در خود فرو می‌برد. هر قدر جلوتر می‌روید روایت دست و پای شما را بیشتر می‌بندد و مانع از این می‌شود که بتوانید کتاب را کنار بگذارید و از دست روایتش خلاص شوید. بهناز ضرابی‌زاده که تا پیش از همسران شهدای همدانی را دستمایه روایتش قرار داده بود این بار سر از خرمشهر درآورده و یکی از پرجاذبه‌ترین آثار در ارتباط با موضوع دفاع مقدس و خرمشهر را خلق کرده است. او در این کتاب پای صحبت‌های نسرین باقرزاده، همسر شهید بهمن باقری نشسته و او را با تمام علایقش به زندگی و همسر و فرزندانش برای مخاطب خواندنی کرده است. این کتاب روایتی است که در آن خانم باقرزاده طوری از زندگی حرف می‌زند که تردید نمی‌کنید زندگی یک شیء چسبناک است. ما در روایت این کتاب زندگی را به عنوان یک موجود زنده، حاضر و ناظر اتفاقات می‌بینیم و پیوسته به ما یادآوری می‌شود که زندگی این است. این کتاب با روایتی که از یک دختر خرمشهری در سال‌های جنگ ارائه می‌کند کلیشه‌های رایج از زنان و دختران آن سال‌ها را برای خواننده از بین می‌برد و تصویری نزدیک‌تر به واقعیت را برای او بازسازی می‌کند. تصویری که همه چیز در آن حول محور زندگی می‌چرخد. روایتی که در میان آثار مرتبط در زمینه زنان و خرمشهر متفاوت و برجسته است.



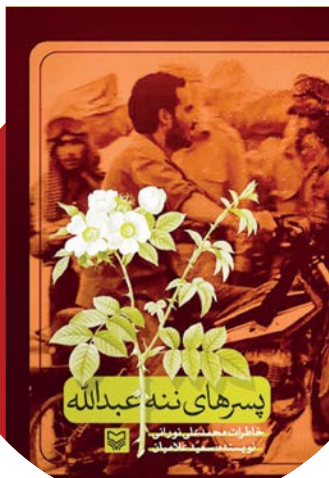
بهر دانست. کتابی که از اولین‌های این حوزه بود و توانست تا مدت زیادی پرچمدار بود. تنها صدایی که به روایت رسمی قرابت بسیار داشت. کتابی که خواننده در آن کتاب‌های دیگری نیز پا به عرصه گذاشتند (در همین گزارش چند نمونه از آنها بسیاری از تصاویر جابه‌جا شوند و نگاه تازه‌ای به جنگ ایجاد شود. البته که نباید و معتبرند رد شد ولی به‌عنوان اولین کتاب و اولین تجربه از روایت زنانه به این و آن را مطالعه کرد. این در حالی است که در روایت خرمشهر و مدافعان آن کتب گذشت سیزده سال (۱۳۸۷) از انتشارش دیگر تنها روایت و تنها صدای موجود خرمشهر بلکه از جنگ را برای تاریخ بازگو کردند.

## مخزن الاسرار شهر خون



«صبح وطن خواه» از آن اسامی و نام‌هایی است که اگر کتاب‌های خاطرات افراد مختلف از خرمشهر را ورق زده باشید حتماً با آن روبه‌رو شده‌اید. زنی که در جریان مقاومت خرمشهر حضور فعال و چشمگیری داشته و بعد از گذشت نزدیک به چهل سال خاطراتش به صورت مکتوب درآمده و به دست مخاطب مقاومت خرمشهر و تاریخ رسیده است. او در خاطراتش که فاطمه دوست‌کامی آن را تدوین و تألیف کرده از روزهای مقاومت خرمشهر سخن گفته و روایتی از حضور زنان در دفاع از خرمشهر را بازگو کرده است. او از امدادگران و نیروهای مردمی در جریان مقاومت در خرمشهر است که از همان روزهای اول جنگ در خرمشهر و بعد در آبادان حضور دارد و به‌عنوان یک نیروی مردمی هرآنچه دیده و از سرگذرانده، نقل کرده است. کتاب به سیاق دیگر آثار خاطرات به‌ویژه از زبان زنان، با توصیف و ذکر جزئیات همراه است. این کتاب را نیز باید به‌عنوان خرمشهر از زاویه نزدیک آن هم زبان یک زن معرفی کرد که راوی از زاویه‌ای که مختص خود او و تجربیاتش است با خواننده و تاریخ سخن گفته است. در «صبح» گویی خرمشهر است که دهان باز کرده و بعد از حدود چهار دهه، هرآنچه را در سینه داشته نقل کرده است؛ از غم هجران و مهاجرت‌های اجباری به شهرهای اطراف گرفته تا خمسه خمسه‌هایی که امان یک شهر را نتوانست ببرد و مردمی که در یک پیمان نانوشت، خانه به خانه مقاومت کردند.

## ام البنین جنگ



این کتاب از این منظر که دریچه‌ای تازه بعد از گذشت قریب به چهل سال از فتح خرمشهر، به جنگ و مدافعان شهر انداخته در خور توجه است. روایتی که طی این سال‌ها بازگو نشده بود و غلامیان پس از حدود ۴۰ ساعت مصاحبه آنها را به بند کلمات کشیده است. کتابی که نشان می‌دهد هنوز روایت‌های بازگو نشده‌ای از جنگ وجود دارد که برخی از آنها تا این اندازه مهمند. روایت‌هایی که از زاویه‌ای نزدیک می‌تواند خواننده را با واقعیتی به نام خونین شهر آشنا کند. روایتی که از مقاومت، سقوط و آزادی خرمشهر سخن می‌گوید و خواننده را در مواجهه‌ای تازه با این شهر قرار می‌دهد. این کتاب که اخیراً از سوی نشر سوره مهر منتشر شده می‌تواند حرف‌های بسیاری برای علاقه‌مندان به این شهر و تاریخ مقاومت آن داشته باشد.

محمد نورانی اسمش با مقاومت و مدافعان خرمشهر گره خورده است. اسمی که کنار محمد جهان‌آرا، سید عبدالرضا موسوی، صالح موسوی، احمد فروزنده و دیگر رزمندگان و مدافعان خرمشهری می‌آید و این نشان از اهمیت او در تاریخ مقاومت خرمشهر دارد. در ماجراهای مقاومت و آزادی خرمشهر، علاوه بر محمد نورانی، چهار برادر دیگرش: عبدا...، غلامرضا، محمود و عبدالرسول چهارده ساله هم بودند. همچنین مادرشان (ننه عبدا...) به جز مدت کوتاه مهاجرت به شیراز به آبادان بازگشته و دیگر از صحنه جنگ دور نشد. او می‌خواسته نزدیک پسرهایش باشد. پسرای که هر کدام سرنوشتی در جنگ داشتند؛ عبدالرسول و غلامرضا شهید شدند و سه برادر دیگر جانباز جنگ هستند.

این کتاب را باید مادرانه‌ای برای جنگ و مقاومت دانست. این اثر که سعید غلامیان (از مستندنگاران و نویسندگان برجسته دفاع مقدس) آن را تدوین و تألیف کرده روایتی پراحساس از برادرانی است که در جبهه حضور داشتند و مادرشان حلقه اتصال آنها با زندگی بوده است.

مفقودی برگ سبز خودرو پراید، مدل ۱۳۹۵، رنگ سفید، شماره پلاک ایران ۳۸-۸۲۵۴۱، شماره موتور M13/5604881، شماره شاسی NAS411100G1224288 به نام سیددهز هراحسینی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو تیبیا ۲ هاج بک، مدل ۱۳۹۶، به رنگ سفید، شماره انتظامی ایران ۶۷-۱۶۷۵۴، شماره موتور M15/8449427، شماره شاسی NAS821100H1102198 به نام زهرا کاظمی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو تیبیا، مدل ۱۳۹۲، به رنگ سفید، شماره انتظامی ایران ۵۳-۴۲۴۵۳، شماره موتور 8068676، شماره شاسی NAS811100D5726539 به نام نصرت صادق پور مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کلید مدارک خودروی سواری پراید، رنگ نوک مدادی، شماره موتور 01107873، شماره شاسی S1412284478098 به نام حمید تنهاجوی گورابی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.